



سیر تحول مطالعات نظری

روابط بین الملل در ایران

سیدجلال دهقانی فیروز آبادی* /مقداد قنبری مزیدی**

(۳۸-۹)

چکیده

نظریه پردازی غیر غربی را می توان یکی از جدیدترین مباحث روابط بین الملل دانست. با این وصف، چنین مباحثی چالش های علمی متعددی را برمی انگیزد که، جهت مناظرات و مسائل آینده، روابط بین الملل را در هاله ای از ابهام قرار می دهد. با وجود پیشتازی کشورهای جنوب شرق آسیا، محققان ایرانی نیز در زمینه نظریه پردازی روابط بین الملل تلاش هایی را مبذول داشته اند اما تلاشی برای نشان دادن سیر مطالعاتی آن در ایران صورت صورت نگرفته، در نتیجه، به وضوح روشن نیست که چه تحولاتی در این زمینه تحقق یافته و اکنون در چه موقعیتی قرار داریم؟ (سؤال) در ایران، روند نظریه پردازی روابط بین الملل به دو جریان اصلی جریان زمینه ساز و جریان نظریه پردازی قابل تقسیم است که اولی بستر لازم را برای جریان نظریه پردازی فراهم نموده است. (فرضیه) نشان دادن وضعیت و روند نظریه پردازی در روابط بین الملل به ما کمک خواهد کرد تا عوامل احساس نیاز به بومی سازی و نظریه پردازی را در یابیم و تحولات رخ داده در این زمینه را درک

*. استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی - Jdeghhani20@yahoo.com

** کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای - ghanbarimeghdad@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۵

نماییم. (هدف) این پژوهش بررسی توصیفی آثار شاخص در این موضوع به شیوه مقایسه‌ای و کمی را به عنوان راهی برای پاسخ به سؤال برگزیده است. (روش) ارائه مدلی منظم از سیر تحول نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در ایران و هویداسازی تلاش محققان حوزوی و دانشگاهی جهت بومی-اسلامی‌سازی آن از نتایج این نوشتار است. (یافته)

واژگان کلیدی:

روابط بین‌الملل، اسلام، ایران، نظریه، سیاست خارجی

مقدمه

پیش از ورود به بحث، توضیح سه نکته به هم پیوسته بایسته است؛ درک عمیق‌تر آنچه پس از آن می‌آید منوط و مشروط به درک این سه است.

الف. به منظور بررسی سیر تحول نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل ابتدا باید مشخص نمود نظریه چیست؟ و منظور این نوشتار از نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل چیست؟ عده‌ای معتقدند نظریه روابط بین‌الملل عبارت است از مطالعه سیستماتیک پدیده‌های قابل مشاهده که سعی دارد از طریق کشف متغیرهای عمده، به توضیح و تشریح رفتارهای گوناگون پردازد و مختصات انواع روابط میان واحدهای ملی را بیان کند. برخی بر آنند که نظریه چارچوبی از کلیت بخشی تجربی است که از قدرت توصیفی، توضیحی و پیشگویانه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که این کلیت بخشی باید به بهترین وجه به صورت فرضیات و قضایای قابل آزمون مطرح شود و تأیید یا ابطال آنها به اشکال کمی به نمایش گذارده شود. در فرایند بررسی نظریه‌های روابط بین‌الملل به تعاریف متنوع‌تری نیز برمی‌خوریم. والتز^۱ معتقد است نظریه‌ها قوانینی را که مشخص‌کننده ارتباطات احتمالی میان پدیده‌هاست توضیح می‌دهند. از دیدگاه نظریه‌هنجاری، نظریه عبارت است از نگاه به جهان آن‌طور که باید باشد. همچنین، گاهی

1. Waltz

نظریه‌های روابط بین‌الملل به صورت نقد ایدئولوژیک حال برای ارائه بدیلی در آینده تعبیر می‌شوند. (قوام، ۱۳۸۴: ۳۱۹) موافقان نظریه پردازی بومی و ایرانی بیشتر به تعریف فرااثبات‌گرایانه، به ویژه انتقادی، از نظریه‌گریش داشته‌اند اما اگر بخواهیم به صورت خلاصه و کلی منظور محققان ایرانی از نظریه پردازی بومی را بیان نماییم، باید گفت از نگاه این محققان نظریه پردازی بومی روابط بین‌الملل هرگونه تلاش محققان ایرانی برای مشارکت در مباحث تئوریک روابط بین‌الملل، به ویژه افزودن نگاه ایرانی-اسلامی به سایر نگاه‌های اکثراً غربی، تئوری‌های روابط بین‌الملل را در برمی‌گیرد.

ب. با این حال، ما برای تحقق هدف این پژوهش آثار شاخصی را - که، از سویی، به روابط بین‌الملل به عنوان رشته‌ای علمی ربط دارد و، از سوی دیگر، در آن تلاش برای نظریه پردازی یا، به عبارتی ساده و دقیق، تلاش برای افزودن نگاه اسلامی ایرانی به روابط بین‌الملل صورت گرفته است و یا ضرورت، امکان یا امتناع این اقدام به بحث گذاشته شده است - مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. ما برای بررسی سیر تحول نظریه پردازی روابط بین‌الملل در ایران به این چنین دید و عرصه ارزیابی وسیعی نیاز داشتیم. با این احساس، نیاز بود که ما حوزه بررسی خود را به بررسی صرف آثاری که مدعی نظریه پردازی جدید در روابط بین‌الملل بوده‌اند محدود نکنیم. پس، ضروری دیدیم تمامی آثاری را که از ابتدای آغاز تحولات نظریه پردازی در آن نقش داشته‌اند و زمینه‌های این حرکت را فراهم آورده‌اند و ضرورت‌ها، نیازها و دیگر شرایط نظریه پردازی را به بحث گذاشته‌اند نیز به عنوان آثار تأثیرگذار در جریان و تحولات نظریه پردازی روابط بین‌الملل در ایران مورد ارزیابی قرار دهیم، با این تفاوت که آثاری که به نظریه پردازی مبادرت نکرده‌اند در دسته جریان‌های زمینه‌ساز نظریه پردازی قرار گرفته‌اند و آثاری که تلاش نموده‌اند به چارچوبی تبیین‌کننده تحت عنوان یک نظریه دست یابند در جریان اصلی نظریه پردازی دسته‌بندی شده‌اند. با این وجود، وقتی سخن از سیر تحول نظریه پردازی روابط بین‌الملل به میان می‌آید، باید همه تحولات و جریان‌ها را بررسی و ارزیابی نمود و نقش آنها را در رشد و توسعه جریان‌های دیگر نشان داد.

ج. پیش از هرگونه تقسیم‌بندی باید بر این نکته تأکید کرد که تمامی تحولاتی که ما تحت عنوان تحولات مربوط به نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در ایران از آنها یاد می‌کنیم از نقطه‌ای با عنوان انقلاب اسلامی در ایران آغاز می‌شوند. همان‌گونه که در بررسی‌های تاریخی و نیز ارزیابی آثار مربوط به این موضوع نیز ما، به استثنای یک مورد، تمامی تلاش‌ها و جریان‌های شکل گرفته را نشئت گرفته از انقلاب و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پس از آن می‌بینیم.

چارچوبی برای مطالعه تحولات نظریه‌پردازی در ایران

بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته و بررسی‌های آثاری که می‌توانست به موضوع این پژوهش ارتباط داشته باشند، این آثار با توجه به موضوع و روش پژوهش دسته‌بندی می‌شوند. بر اساس شاخص ارائه یا عدم ارائه نظریه در زمینه روابط بین‌الملل تقسیم‌بندی دوگانه شامل جریان زمینه‌ساز و جریان نظریه‌پردازی صورت گرفته است.

۱. جریان زمینه‌ساز به سه جریان فرعی تقسیم می‌شود: ا. فقه روابط بین‌الملل؛ ب. آثاری که تلاش در تئوریزه کردن اصول اسلامی سیاست خارجی به شکل علمی کرده‌اند؛ ج. آثار مربوط به بررسی بحث‌های امکان، امتناع یا ضرورت نظریه‌پردازی.

بخش اعظم آثار مرتبط به سیر تحول نظریه‌پردازی، صرفاً زمینه‌ساز و بسترساز شرایط برای ورود جریان اصلی نظریه‌پردازی بوده‌اند و خود ادعای ارائه نظریه‌ای را نداشته‌اند. این جریان زمینه‌ساز خود به سه دسته مختلف از آثار تقسیم می‌شود:

دسته اول از جریان زمینه‌ساز شامل آثاری است که هم از قدمت و سابقه بیشتری برخوردارند و هم ارتباط کمتری با رشته تخصصی روابط بین‌الملل دارند، اما با موضوع مورد بررسی در ارتباط مستقیم هستند. آثاری که در سال‌های اخیر به فقه روابط بین‌الملل معروف شده‌اند. اگرچه آثاری کاملاً فقهی هستند، آن بخش از فقه سیاسی را بررسی می‌کنند که به اصول و احکام فقهی اسلامی دربارهٔ روابط کشور اسلامی با سایر حکومت‌ها و ملت‌ها را شامل می‌شود. ویژگی این دسته آثار، همانند مسائل فقهی، استخراجی بودن آنهاست، یعنی تلاش شده تا اصول و احکام اسلامی دربارهٔ رابطه حکومت اسلامی با

سایر کشورها از منابع دینی استخراج و توضیح داده شود. تمایز دسته‌های دوم و سوم با دسته اول قرار گرفتن آنها در میان آثار تخصصی رشته روابط بین‌الملل می‌باشد. با این وصف، این سه گروه آثار نیز تمایزات عمده‌ای با یکدیگر دارند.

دسته دوم آثاری هستند که از فقه روابط بین‌الملل فراتر رفته، تلاش می‌کنند تا اصولی کلی از اسلام در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به عنوان رشته تخصصی استخراج نمایند. این دسته آثار را نمی‌توان فقه روابط بین‌الملل دانست، زیرا صرفاً به احکام دارالاسلام و دارالکفر و آنچه در منابع اسلامی در مورد رابطه کشور اسلامی آمده نمی‌پردازند. این آثار، در واقع، از اصول و احکام اسلامی اصولی تخصصی در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل استخراج می‌کنند. نمی‌توان آنها را جزو آثار نظریه‌پردازی به معنای خاص نیز دانست، زیرا به طراحی چارچوبی نظری یا رویکرد و رهیافتی کلان و تبیین‌کننده نیز دست نمی‌زنند بلکه صرفاً یک دسته اصول را که می‌توان از اسلام در مورد سیاست خارجی استنباط کرد بررسی می‌کنند.

سومین دسته از آثار - که به صورت جداگانه بدانها پرداخته می‌شود - آثاری هستند که صرفاً به بحث ضرورت نظریه‌پردازی یا امکان یا امتناع آن و موانع و راهکارهای نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در ایران پرداخته‌اند و تلاشی برای نظریه‌پردازی انجام نداده‌اند.

۲. جریان اصلی نظریه‌پردازی آثاری را شامل می‌شود که فراتر رفته و مدعی ارائه چارچوب‌های تبیین‌کننده‌ای تحت عنوان نظریه می‌باشند. این آثار حالت تأسیسی داشته و صرفاً به استخراج اصول و احکام اسلامی نمی‌پردازند، بلکه با توجه به اندیشه اسلامی در تلاش‌اند تا چارچوب و هسته نظریه‌ای اسلامی را در روابط بین‌الملل پی‌ریزی نمایند. البته، تمامی آثار جریان نظریه‌پردازی نیز به معنای واقعی نظریه‌ای ارائه نداده‌اند. جریان نظریه‌پردازی نیز به دو دسته آثار تقسیم می‌شود: دسته اول عمده آثاری هستند که صرفاً طرحی اولیه ارائه می‌دهند و چارچوبی کامل و تبیین‌کننده ارائه نمی‌دهند اما دسته دوم که بسیار محدودترند توانسته‌اند بنیان‌های نظری و فرائضی یک نظریه جدید را هرچند به صورت کلی و آزمون‌نشده ارائه نمایند. با این حال، شاید شاخص‌های معرف نظریه به معنای خاص حاکی از آن است که همه این دسته از آثار را نیز نتوان نظریه قلمداد نمود.

ایران و جریان‌های زمینه‌ساز در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل

هنگام بررسی سیر تحول تاریخی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در ایران به آثاری برمی‌خوریم که در دسته آثار نظریه‌پردازی قرار نمی‌گیرند اما در سیر تحولات مرتبط با نظریه‌پردازی دخیل‌اند و زمینه و شرایط را برای ظهور آثار نظریه‌پردازی فراهم ساخته‌اند. از آن‌رو، این آثار در پژوهش حاضر تحت عنوان جریانی به نام جریان زمینه‌ساز دسته‌بندی شده‌اند. خود این جریان شامل آثاری با موضوعات و روش‌های مختلف است. برای مثال، آثاری که برای ورود مباحث فقهی یا اصول اسلامی به عرصه سیاست خارجی یا روابط بین‌الملل کوشیده‌اند یا آثاری که به دنبال بررسی موانع، راهکارها، امکان، امتناع و ضرورت نظریه‌پردازی اسلامی ایرانی پرداخته‌اند. در ادامه، به صورت مفصل‌تر به هر یک از این سه دسته آثار جریان زمینه‌ساز نظریه‌پردازی پرداخته خواهد شد.

۱. فقه روابط بین‌الملل: در بررسی سیر تحول نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در ایران نخستین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که این تحولات از کجا آغاز شد و نخستین مباحث مطرح به چه مسائلی می‌پرداختند؟ این روند از چه زمانی شروع شده است؟ جستجو برای پاسخگویی به این سؤالات ما را به چند دهه گذشته و زمان آغاز مباحثی تحت عنوان فقه روابط بین‌الملل رهنمون می‌سازد، زمانی که برای نخستین بار سعی می‌شود ارتباطی میان اندیشه‌ها و اصول اسلامی، از سویی، و نظریات غربی روابط بین‌الملل، از سویی دیگر، ایجاد شود. از آن روست که مباحث فقهی روابط بین‌الملل در تحولات نظریه‌پردازی اهمیت می‌یابند. هرچند این آثار را نباید با آثار تخصصی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل یکسان انگاشت، زیرا اصولاً، در این آثار، نظریه‌پردازی به معنای خاص صورت نگرفته است، اما از آنجا که نگاه اسلامی ایرانی به روابط بین‌الملل ریشه در این گونه آثار دارد و فقه روابط بین‌الملل را می‌توان پایه، بنیان و مواد خام نظریه‌پردازی اسلامی ایرانی روابط بین‌الملل دانست. با این توجیحات نخستین بخش از پژوهش به بررسی آثار فقهی روابط بین‌الملل اختصاص یافته است.

علم روابط بین الملل و علوم سیاسی در ایران تا سال‌ها به شکل سنتی و تاریخی بررسی می‌شد و پژوهش علمی نظری در آن جایگاه چندانی نداشت و روابط بین الملل به عنوان رشته‌ای با موضوع خاص رواج نداشت. هر چند این اندیشه که ما باید علم اسلامی یا بومی داشته باشیم با وقوع انقلاب آغاز شده بود، تفکر تلفیقی که معتقد باشد علم آکادمیک و دانش دینی قابل تلفیق اند یا حتی توان صحبت و بحث و مناظره با هم را دارند وجود نداشته است. از سویی، اغلب اساتید علوم سیاسی و روابط بین الملل، با نگاه اثبات‌گرایانه، اعتقادی به امکان ورود مباحث دینی به علم روابط بین الملل نداشتند و، از دیگر سو، اکثر محققان دینی نیز فقط به علوم دینی معتقد بودند. در چنین شرایطی، با وقوع انقلاب و برتری تفکر نقش دین در سیاست و حکومت، محققان حوزوی با این اعتقاد که اسلام دینی جهان‌شمول است و برای اداره جهان نیز برنامه دارد، برای نخستین بار به جداسازی بخشی از فقه سیاسی شیعه در ارتباط با روابط کشورها و حکومت‌ها با یکدیگر دست زدند. در نتیجه، پس از انقلاب، تمامی شرایط زمینه‌ساز توجه به مباحث فقهی سیاست خارجی کشور اسلامی با سایر کشورها - آن‌هم در حد بررسی و معرفی یک دسته از قواعد کلی فقهی - شد. جریانی که در ابتدا تحت عنوان‌هایی چون «روابط بین المللی از نظر اسلام» یا «روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی» شناخته می‌شد، بعدها، از نیمه‌های دهه ۱۳۷۰ شمسی، عنوان «فقه روابط بین الملل» بدان اطلاق شد که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران رشد و توسعه یافت؛ پیش از این، دخالت نداشتن فقه شیعی در حکومت و نبودن شیعه در رأس حکومت سبب شده بود که این بخش از فقه شیعی رشد و گسترش نیابد (علوی، ۱۳۸۷: ۱۳). اما وقوع انقلاب در ایران و ترویج باور جهان‌شمولی و حکومت‌داری اسلام سبب شد که فقه روابط بین الملل تحت عنوان بخشی از فقه سیاسی رونق یابد و اندکان‌اندک تحت عنوان فقه روابط بین الملل دارای چارچوب مشخصی شود، به گونه‌ای که امروزه برخی بر ضرورت تأسیس رشته‌ای مجزا با این عنوان در حوزه تأکید می‌نمایند.

با وجود آنکه مباحث فقهی مربوط به روابط خارجی کشور اسلامی از گذشته جزئی از فقه اسلامی شمرده می‌شده است، عنوان فقه روابط بین الملل بر آن اطلاق نمی‌شده

است. می‌توان گفت که این عنوان در ایران از دهه ۱۳۷۰ به بعد و تا حدودی متأثر از آثار عربی اهل سنت در این موضوع رایج شد. در گذشته این مباحث، تحت مباحث فقه سیاسی، به عنوان بخشی از دروس و مباحث حوزوی و دینی تدریس می‌شد. هم‌اکنون نیز مباحث فقهی روابط بین‌الملل یا همان روابط خارجی در حوزه‌ها مستقل نبوده، به عنوان بخشی از مباحث فقه سیاسی بدانها پرداخته می‌شود.

از اواخر دهه ۱۳۴۰ - که نخستین آثار مستقل این موضوع به آن دوره مربوط است - این مباحث بیشتر تحت عنوان روابط بین‌المللی اسلامی، اصول سیاست خارجی یا روابط خارجی اسلامی مطرح می‌شدند. محققان مباحث فقهی، از آن زمان تاکنون، فقه روابط بین‌الملل را «استخراج قواعدی که شریعت اسلام به منظور تنظیم روابط خارجی و سیاست خارجی کشور اسلامی با سایر کشورها و حکومت‌ها مقرر کرده است.» (بلاغی، ۱۳۴۹: ۱۰) تعریف می‌نمایند.

طی بررسی جامع، در میان منابع فارسی به شانزده اثر برخورداریم که به صورت مستقل و کامل به فقه روابط بین‌الملل یا روابط بین‌المللی اسلامی پرداخته بودند. هر چند این مباحث از گذشته تحت عناوین کلی‌تری نیز بحث شده‌اند، آنچه به موضوع این مقاله ارتباط می‌یابد آثاری هستند که به نحوی به موضوع روابط بین‌الملل مربوط‌اند. نخستین اثر در این زمینه به بهمن سال ۱۳۴۹ بازمی‌گردد و آخرین اثر نیز در سال ۱۳۹۰ نگاشته شده است. اغلب این آثار مقاله و تنها دو اثر از آنها کتاب‌اند که با عنوان «روابط بین‌الملل در اسلام» از آیت‌الله جوادی آملی و «مبانی فقهی روابط بین‌الملل» از سید محمود علوی نگاشته شده است. این کتاب‌ها را می‌توان کامل‌ترین و جامع‌ترین آثار مربوط به فقه روابط بین‌الملل تلقی نمود که در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به چاپ رسیده‌اند.

در جدول زیر مشخصات شانزده اثر مربوط به نخستین دسته از آثار جریان زمینه‌ساز نظریه پردازی، یعنی آثار جریان فقه روابط بین‌الملل، آورده شده است. آنچه ما در ادامه در ارتباط با مباحث فقه روابط بین‌الملل خواهیم آورد نتیجه بررسی و تحلیل محتوای این شانزده اثر است.

آثار مربوط به نخستین جریان زمینه‌ساز: فقه روابط بین‌الملل

ردیف	عنوان اثر	نویسنده	سال	محل نشر	نوع
۱	روابط بین‌المللی از نظر اسلام	سید صدرالدین بلاغی	۴۹-۵۰	ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام	مقاله
۲	روابط بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی (۱)	آیت‌الله ابراهیم امینی	۱۳۶۴	نور علم	مقاله
۳	روابط بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی (۲)	آیت‌الله ابراهیم امینی	۱۳۶۴	نور علم	مقاله
۴	روابط بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی (۳)	آیت‌الله ابراهیم امینی	۱۳۶۴	نور علم	مقاله
۵	نکته‌هایی در فقه روابط بین‌الملل	محمد حسن نجفی	۱۳۷۵	فقه	مقاله
۶	نگاهی به اصول روابط بین‌الملل اسلامی	سید احمد حسینی	۱۳۷۵	فقه	مقاله
۷	روابط بین‌الملل در اسلام؛ بررسی مراحل تاریخی	عبدالحکیم سلیمی	۱۳۸۲	معرفت	مقاله
۸	گونه‌شناسی روابط بین‌الملل اسلامی در قرآن مجید	دکتر حسین علی احمدی و علی‌اکبر آمرهای	۱۳۸۴	ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام	مقاله
۹	فقه روابط بین‌الملل	آیت‌الله سید نورالدین شریعتمدار جزایری	۱۳۸۵	علوم سیاسی	مقاله
۱۰	منبع‌شناسی فقه روابط بین‌الملل	حسین ارجینی	۱۳۸۵	معرفت	مقاله
۱۱	واژه‌شناسی فقه روابط بین‌الملل	قاسم شبان‌نیا	۱۳۸۵	معرفت	مقاله
۱۲	اصول حاکم بر روابط بین‌الملل نظام اسلامی	آیت‌الله عبدالله جوادی آملی	۱۳۸۷	حکومت اسلامی	مقاله
۱۳	مبانی فقهی روابط بین‌الملل	سید محمود علوی	۱۳۸۷	نشر امیر کبیر	کتاب
۱۴	روابط بین‌الملل در اسلام	آیت‌الله عبدالله جوادی آملی	۱۳۸۸	مرکز نشر اسراء	کتاب
۱۵	اصول روابط بین‌الملل در نظام اسلامی	آیت‌الله عبدالله جوادی آملی	۱۳۸۹	مجموعه مقالات همایش دین و روابط بین‌الملل	مقاله
۱۶	قلمرو روابط بین‌الملل در فقه سیاسی اسلام	مرتضی کشاورزی ولدانی	۱۳۸۹	مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل	مقاله

مهم‌ترین تفاوت جریان فقه روابط بین‌الملل با جریان‌های بعدی در روش و نگاه آن به نظریه‌پردازی می‌باشد. در فقه روابط بین‌الملل، روش اصلی اجتهادی و استنباطی است، در حالی که نظریه‌پردازی تخصصی روابط بین‌الملل بر پایه روش تأسیسی مبتنی بر پیش‌فرض‌های مستخرج و مستنبط از اسلام صورت می‌گیرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۶) محققان جریان فقه روابط بین‌الملل، رویکردهای اجتهادی مختلفی نسبت به علم دینی دارند با این حال، تفاوت‌های اساسی در آن‌ها مشاهده می‌شود ولی در مجموع، از نگاه آنان، علوم مورد نظر (روابط بین‌الملل) به صورت کامل - یا دست‌کم اصول کلی آن - در متون دینی شامل قرآن و سنت آمده است و باید آن‌ها را استخراج یا استنباط کرد و تحت عنوان مربوط به آن در رشته روابط بین‌الملل قرار داد. به همین دلیل، آثار این جریان سرشار است از ادبیاتی که صرفاً به نقل آیات و احادیثی پرداخته‌اند که هر کدام، به نوعی، به یکی از موضوعات و مفاهیم روابط بین‌الملل مثل دولت، قدرت، امنیت و ... مربوط می‌شود.

اما در پاسخ به اینکه چرا ابتدا محققان دینی وارد عرصه ارائه دیدگاه بومی روابط بین‌الملل شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: دلیل اول اینکه حوزویان بر بحث دین و فقه مسلط بوده‌اند، در حالی که دانشگاهیان در ابتدا با مسائل دینی چندان آشنا نبوده‌اند، زیرا بیشتر اساتید و محققان اولیه این رشته دانش آموخته خارج از کشور بوده‌اند. دوم اینکه حوزویان به اسلامی کردن علوم انسانی اعتقاد داشته‌اند و آن را یک ضرورت می‌دانسته‌اند، در حالی که غالب دانشگاهیان به دلیل تسلط رویکرد غربی اثبات‌گرا و نیز سکولار بر علوم گذشته، در مقایسه با حال حاضر، ورود دین به حوزه علم را ناممکن و یا دست‌کم غیر ضروری می‌دانستند.

آثار فقهی روابط بین‌الملل دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

۱. نویسندگان مقالات اکثراً حوزوی و روحانی بوده‌اند؛
۲. موضوعات اکثراً به مسائل فقهی روابط بلاد اسلام و کفر اختصاص دارند؛
۳. موضوعات ارتباطی با مباحث تئوریک و سرفصل‌های تخصصی رشته روابط بین‌الملل نداشته، از مباحث رایج در این رشته استفاده چندانی نشده است؛

۴. مجلاتی که مقالات در آن چاپ می‌شده به دانشگاه‌ها وابسته نبود یا مجله تخصصی روابط بین‌الملل یا علوم سیاسی نبوده بلکه مجله مذهبی مربوط به حوزه‌های علمیه و موسسات دینی بوده است.

۲. **تئوریزه کردن دیدگاه اسلامی سیاست خارجی:** دومین جریان زمینه‌ساز نظریه پردازی نسبت به جریان قبلی یک گام به ارائه مباحث تئوریک و چارچوب‌مند کردن اصول اسلامی در زمینه سیاست خارجی کشور اسلامی نزدیک می‌شود؛ این جریان را در سیر تحول نظریه پردازی در روابط بین‌الملل باید یک گام به پیش تلقی کرد. البته، نباید آن را با جریان اصلی نظریه پردازی یکسان دانست، زیرا در این جریان، همانند کل آثار جریان زمینه‌ساز، هیچ‌گونه نظریه پردازی صورت نگرفته است. جریان دوم که خود از جریان اول، یعنی فقه روابط بین‌الملل، نشئت گرفته و مبتنی بر آن می‌باشد تلاش می‌کند تا میان مباحث فقهی و حوزوی و مباحث علمی و دانشگاهی سیاست خارجی و برخی مفاهیم دیگر، چون امنیت، دولت، و جنگ و صلح، به عنوان بخشی از علم روابط بین‌الملل پیوند ایجاد کند و چارچوبی تئوریک از دیدگاه‌های اسلامی در زمینه سیاست خارجی ارائه دهد. در این حوزه، هر چند ادعای نظریه پردازی به صورت رسمی وجود نداشته است، به صورت علمی، تلاش‌ها در جهت ارائه چارچوبی تئوریک از سیاست خارجی اسلامی انجام گرفته است. با این حال، نمی‌توان این دسته آثار را در دسته تلاش‌های نظریه پردازی روابط بین‌الملل به معنای خاص قرار داد، به آن دلیل که این جریان بیش از آنکه نظریه پردازی باشد تلاشی در جهت چارچوب‌بندی کردن برخی اصول اسلامی سیاست خارجی است. افزون بر این، موضوع این آثار روابط بین‌الملل نیست بلکه بیشتر بر سیاست خارجی و روابط خارجی که بخش کوچکی از رشته روابط بین‌الملل را شامل می‌شوند تأکید دارند. این جریان نیز همانند جریان قبل و جریان سوم زمینه را برای ظهور جریان نظریه پردازی آماده می‌نماید. جریان دوم خود متشکل از سه دسته آثار است که با وجود اشتراکات و مشابهت‌ها نمی‌توان آنها را یکسان دانست.

۱-۲. چارچوب‌بندی اصول اسلامی سیاست خارجی: دسته اول از جریان دوم آثاری را شامل می‌شوند که در تلاش‌اند تا اصول و مبانی سیاست خارجی را از دیدگاه اسلامی بیان نمایند. شاید در نگاهی سطحی، تفاوت میان این دسته آثار و جریان اول به خوبی مشهود نباشد، در حالی که میان این دو جریان مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. جریان دوم ریشه در جریان اول دارد. از این رو، در این جریان نیز موضوع کانونی اصول سیاست خارجی کشور اسلامی است. اما وجود برخی تفاوت‌ها در جریان دوم را از فقه روابط بین‌الملل (جریان اول) متمایز می‌سازد. نخستین تفاوت در دسته‌بندی آثار آشکار می‌شود. جریان فقه روابط بین‌الملل بخشی از فقه سیاسی است و در دسته علوم دینی و حوزوی جای می‌گیرد، در حالی که جریان دوم و آثار مربوط به چارچوب‌بندی علمی سیاست خارجی اسلامی در بخشی از علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و در دسته علوم دانشگاهی جای دارند. محققان جریان اول حوزوی و دارای تحصیلات دینی هستند و محققان جریان دوم عمدتاً افرادی هستند که در کنار تحصیلات آکادمیک در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دارای مطالعات دینی بوده، آگاه به اصول فقه سیاسی شیعه نیز می‌باشند. ولی مهم‌ترین تمایز این دو جریان در روش و هدف این آثار است. در جریان اول، محققان حوزوی تلاش داشته‌اند بر اساس روش مسلط بر فقه به استخراج اصول و قواعد فقه اسلامی در ارتباط با روابط و سیاست خارجی کشور اسلامی با سایر کشورها پردازند و قوانین حقوقی حاکم بر روابط کشور اسلامی با سایر کشورها را تعیین و تبیین نمایند. در این جریان، به روابط بین‌الملل به عنوان رشته‌ای علمی با تعریف و هدفی مشخص توجهی درخور نشده است و محققان فقه روابط بین‌الملل را در دسته حقوق بین‌الملل می‌دانند، نه علوم سیاسی یا روابط بین‌الملل. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵؛ آجیلی، ۱۳۸۹: ۲۹) این در حالی است که در جریان دوم تلاش می‌شود تا، بر اساس تعریف‌های علم سیاست و روابط بین‌الملل از سیاست خارجی و اصول آن، آن دسته از مفاهیم و اصول اسلامی - خواه شامل اصول فقهی و خواه شامل سایر علوم اسلامی - تحت عنوان چارچوبی منظم تبیین و تا

حدودی نیز با سایر نظریات روابط بین‌الملل مقایسه شود. نمونه بارز تلاش‌ها در این عرصه رامی‌توان کتاب «مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی» نوشته سید صادق حقیقت دانست.

آثار مربوط به چارچوب‌بندی اصول اسلامی سیاست خارجی

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	سال	محل نشر	نوع
۱	سید صادق حقیقت	مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی	۱۳۸۵	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	کتاب
۲	عبدالوهاب فراتی	نظریه سیاست خارجی در دولت نبوی	۱۳۸۵	فصلنامه علوم سیاسی	مقاله
۳	محمد ستوده	انقلاب اسلامی و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل	۱۳۸۶	دانشگاه اسلامی	مقاله
۴	احمد دوست‌محمدی و دیگران	اصول روابط بین‌الملل در اسلام	۱۳۸۹	همایش اسلام و روابط بین‌الملل	مقاله
۵	عبدالوهاب فراتی	چارچوب و مبانی روابط دولت اسلامی با نظام بین‌الملل	۱۳۸۹	کتاب اسلام و روابط بین‌الملل	مقاله

۲-۲. تبیین دیدگاه رهبران و شخصیت‌های اسلامی به سیاست خارجی و روابط بین‌الملل: دسته دوم از جریان دوم را آثاری تشکیل می‌دهند که در تلاش‌اند دیدگاه‌های برخی شخصیت‌ها مانند امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای به سیاست خارجی یا روابط بین‌الملل را بررسی نمایند. این دسته آثار نیز پیش از ظهور جریان نظریه‌پردازی نگاشته شده‌اند و همانند آثار دسته قبل نمی‌توان آنها را نظریه‌پردازی نامید. این دسته آثار به دست محققان سیاسی نگاشته شده‌اند و می‌توان آنها را در دسته آثار مربوط به علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانست که می‌کوشند دیدگاه اسلامی به سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را از نگاه برخی شخصیت‌ها و رهبران اسلامی بررسی نمایند.

آثار مربوط به تبیین دیدگاه رهبران و شخصیت‌های اسلامی به سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	سال	محل نشر	نوع
۱	قربانعلی قربانزاده	روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۳۷۳	دانشگاه تهران	پایان‌نامه
۲	حمید توکلی	بررسی سیاست خارجی ج.ا.ا. از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۳۷۴	دانشگاه تربیت مدرس	پایان‌نامه
۳	محمدرضادهشیری	درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۳۷۷	مرکز اسناد انقلاب اسلامی	کتاب
۴	محمد ستوده	امام خمینی <small>علیه السلام</small> و مبانی نظری سیاست خارجی	۱۳۷۸	فصلنامه علوم سیاسی	مقاله
۵	سید محمد سادات	امام خمینی <small>علیه السلام</small> و روابط بین‌الملل	۱۳۷۹	فصلنامه حکومت اسلامی	مقاله
۶	علی داستانی بیرکی	سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۳۸۱	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی <small>علیه السلام</small>	کتاب
۷	محمد ستوده	روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری	۱۳۸۵	حصون	مقاله
۸	علی نقی فیاض	نقد و بررسی نظریه‌های روابط بین‌الملل از منظر امام خمینی <small>علیه السلام</small> و اندیشمندان غربی	۱۳۸۶	طلوع	مقاله
۹	محمد ستوده و علیرضا دانشیار	آسیب‌شناسی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۳۸۸	فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی	مقاله
۱۰	یحیی فوزی	اسلام و سیاست بین‌الملل: بررسی موردی دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small> به سیاست بین‌الملل	۱۳۹۰	همایش دین و روابط بین‌الملل	مقاله

۳-۲. تلاش برای بررسی برخی مفاهیم روابط بین‌الملل از نگاه اسلام: این بخش از آثار نیز، از آنجا که به تئوری پردازی به معنای خاص نپرداخته‌اند، در جریان زمینه‌ساز قرار دارند؛ از آنجا که این آثار سعی کرده‌اند تا برخی از مفاهیم مهم روابط بین‌الملل، چون امنیت، دولت، قدرت، جنگ و صلح، و امت، را از نگاه اسلامی بررسی و دیدگاه

اسلامی از این مفاهیم ارائه نمایند و دیدگاهی بومی یا غیر غربی به این مفاهیم روابط بین الملل را بررسی یا ارائه کنند، بخشی از روند تحول نظریه پردازی بومی قلمداد می شوند. از این رو، نقش آنها در پروسه نظریه پردازی که در مرحله بعد آغاز می شود قابل توجه است.

آثار مربوط به بررسی برخی مفاهیم روابط بین الملل از نگاه اسلام

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	سال	محل انتشار	نوع
۱	حسین جوان آراسته	امت و ملت نگاهی دوباره	۱۳۷۹	حکومت اسلامی	مقاله
۲	اصغر افتخاری	مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت؛ گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی	۱۳۸۳	فصلنامه مطالعات راهبردی	مقاله
۳	محمدعلی برزنونی	اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟	۱۳۸۴	مجله حقوقی	مقاله
۴	بهرام اخوان کاظمی	امنیت و ابعاد آن در قرآن	۱۳۸۶	فصلنامه مطالعات اسلامی	مقاله
۵	اسمعیل سلطانی	روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم؛ جنگ یا صلح؟	۱۳۸۸	مجله معرفت	مقاله
۶	اصغر افتخاری	صلح و امنیت بین الملل: رویکردی اسلامی	۱۳۸۹	کتاب اسلام و روابط بین الملل	مقاله

۳. امکان، امتناع یا ضرورت و یا موانع و راهکارهای نظریه پردازی: آثاری که صرفاً به بحث ضرورت نظریه پردازی یا امکان یا امتناع آن و یا بحث از موانع و راهکارهای نظریه پردازی روابط بین الملل در ایران پرداخته اند و تلاشی برای نظریه پردازی انجام نداده اند، در زمره آثار جریان سوم از جریان کلی زمینه ساز نظریه پردازی قرار می گیرند. این گونه آثار بعضاً قبل از آغاز جدی نظریه پردازی یا همگام با آغاز جدی و فراگیر این جریان نگاشته شده اند. آنچه سبب می شود این دسته از آثار را به عنوان جریانی مستقل و به عنوان بخشی از روند تحولات نظریه پردازی روابط بین الملل در ایران قرار داد نقشی است که این آثار در بررسی وضعیت روابط بین الملل در ایران و نشان دادن ضرورت،

امکان، موانع و راهکارهای نظریه پردازی بومی ایفا کرده‌اند. به عبارت ساده‌تر، آثار جریان سوم در کنار دو جریان قبلی نقش قابل توجهی در آغاز جریان نظریه پردازی در ایران داشته‌اند و جریان نظریه پردازی را باید مبتنی بر سه جریان قبل دانست که ریشه و منشأ در سه جریان گذشته دارد.

آثار مربوط به سومین جریان زمینه‌ساز

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	سال	محل انتشار	نوع
۱	سیدحسین سیف‌زاده	اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)	۱۳۸۰	نشر میزان	کتاب
۲	محمد ستوده	ارزیابی وضعیت رشته روابط بین‌الملل در ایران	۱۳۸۴	فصلنامه علوم سیاسی	مقاله
۳	امیرمحمد حاجی‌یوسفی	آموزش درس اصول روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران: آسیب‌ها و راهکارها	۱۳۸۵	پژوهشنامه علوم سیاسی	مقاله
۴	امیرمحمد حاجی‌یوسفی	نظریه ایرانی روابط بین‌الملل: موانع و راهکارها	۱۳۸۸	سومین مایش انجمن علوم سیاسی ایران	مقاله
۵	Amir M. Haji-Yousefi	Is There an Iranian Perspective on International Relations	۱۳۸۸	همایش کانادا ^{۲۱}	مقاله
۶	Homeira Moshirzadeh	'A "Hegemonic Discipline" in an "Anti-Hegemonic" Country',	۱۳۸۸	International Political Sociology	مقاله
۷	Mahmood Sariolghalam	Accomplishments and Iran" Limitations in IR"	۱۳۸۸	International Relations Scholarship around the World	مقاله
۸	سیدحسین سیف‌زاده	روابط بین‌الملل در ایران	۱۳۸۹	کتاب مجموعه مقالات	مقاله
۹	حمید احمدی	بومی‌سازی روابط بین‌الملل در ایران	۱۳۸۹	کتاب مجموعه مقالات	مقاله
۱۰	اصغر افتخاری	بایسته‌های بازاندیشی در رشته	۱۳۸۹	کتاب مجموعه	مقاله

	مقالات		روابط بین الملل		
مقاله	پژوهشنامه علوم سیاسی	۱۳۸۹	نظریه و پژوهش در روابط بین الملل در ایران	حمیرا مشیرزاده و حیدرعلی مسعودی	۱۱
مقاله	پژوهشنامه علوم سیاسی	۱۳۸۹	تدریس روابط بین الملل در ایران: چالش ها و چشم اندازها	امیرمحمد حاجی یوسفی	۱۲
مقاله	چهارمین همایش سالیانه انجمن علمی ایرانی روابط بین الملل	۱۳۹۰	قابلیت ها و فرصت های نظریه پردازی اسلامی ایرانی روابط بین الملل	علی اکبر علیخانی	۱۳
مقاله	چهارمین همایش سالیانه انجمن علمی ایرانی روابط بین الملل	۱۳۹۰	ایران و تجربه نظریه پردازی در رشته روابط بین الملل در کشورهای توسعه یافته	حمیرا مشیرزاده	۱۴
مقاله	چهارمین همایش سالیانه انجمن علمی ایرانی روابط بین الملل	۱۳۹۰	تفکر انتقادی، ارتباطات علمی و نظریه پردازی: مطالعه موردی متون درسی روابط بین الملل در ایران	امیرمحمد حاجی یوسفی	۱۵
مقاله	پژوهشنامه علوم سیاسی	۱۳۹۰	تحولات جدید نظری در روابط بین الملل: زمینه مناسب برای نظریه پردازی بومی	حمیرا مشیرزاده	۱۶
مقاله	همایش دین و روابط بین الملل	۱۳۹۰	مسائل نظری در مناسبات دین و روابط بین الملل	محمی الدین مصباحی	۱۷
مقاله	همایش دین و روابط بین الملل	۱۳۹۰	درباره امکان و امتناع نظریه دینی روابط بین الملل	سید جواد طاهایی	۱۸
مقاله	ISA۱-First Global South International Studies Conference	۲۰۱۲	Iran's Islamic Paradigm in International Relations	Roozbeh Safshekan Farzan Sabet	۱۹

هرچند آخرین جریان، یعنی نظریه پردازی روابط بین الملل، دارای یک اثر پیش از موعد (تلاش نقیب زاده برای نظریه پردازی اسلامی) بوده است، تا اوایل دهه ۱۳۸۰ هیچ یک از اساتید و محققان ایرانی روابط بین الملل تلاشی که نشان دهنده علاقه یا احساس نیاز آنها به ورود به مباحث نظریه پردازی اسلامی باشد از خود نشان نداده اند. نخستین تلاش برای مطرح کردن دوباره نظریه پردازی ایرانی به وسیله سیف زاده در کتاب اصول روابط بین الملل (الف و ب) در سال ۱۳۸۲ صورت گرفت. هرچند این تلاش بسیار مختصر و کلی ارائه شده است، ایشان در آثار بعدی خویش این تلاش را در شیوه های جدیدی ادامه داد. سیف زاده ابتدا در برخی کتاب های خود (دو کتاب اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران) به صورت مختصر به امکان یا ضرورت نگاه اسلامی ایرانی به روابط بین الملل می پردازد و، سپس، تلاش می نماید تا «روایتی از نگاه ایرانی به نظریه روابط بین الملل» را تحت عنوان «بن فکنی رندانه» پی ریزی نماید. (سیف زاده، ۱۳۸۷: ۹۰) با وجود این، می توان تلاش های هرچند اجمالی و ناتمام سیف زاده را در اقبال و انگیزه سایر محققان در سالهای بعدی نسبت به نظریه پردازی بومی مؤثر دانست.

پس از نقیب زاده و سیف زاده به عنوان نخستین محققانی که به بحث ضرورت نگاه ایرانی به روابط بین الملل وارد شدند، به عنوان سومین نفر، می توان از محمد ستوده از دانشگاه باقر العلوم نام برد. وی با نگاهی متفاوت تر از سیف زاده از زاویه ای کاملاً دینی و اسلامی به نظریه پردازی نگاه می کند، در حالی که سیف زاده در آثار اولیه به امکانات نگاه اسلامی توجه دارد و در آثار اخیر خویش دیدگاهش ایرانی تر است. (سیف زاده، ۱۳۸۷: ۹۲) ستوده در نخستین اثر خویش برای بررسی وضعیت رشته روابط بین الملل در ایران به ضرورت و نیاز وجود نگاه اسلامی به روابط بین الملل می پردازد. این اثر را می توان از اولین آثار جریان سوم تحولات نظریه پردازی دانست. با این حال، وی در اثر دیگر خویش وارد بحث نظریه پردازی شده، تلاش می نماید با بررسی دیدگاه اسلام به انسان شناسی به چارچوبی اولیه از یک رهیافت اسلامی در روابط بین الملل دست یابد.

محقق پر تلاش جریان سوم تحولات نظریه پردازی را باید حاجی یوسفی دانست. وی با نگارش چندین مقاله مختلف به موضوعاتی چون نگاه محققان ایرانی به نظریه پردازی بومی، وجود نظریه بومی، موانع و راهکارهای نظریه پردازی و مسائلی مرتبط با بحث نظریه پردازی اسلامی ایرانی پرداخته است. مقاله حاجی یوسفی با عنوان «تدریس روابط بین الملل در ایران: چالش ها و چشم اندازها» جزو اولین مقالاتی است که به صورت جدی به بحث و بررسی در وصف نظریه ایرانی اسلامی روابط بین الملل می پردازد. حاجی یوسفی در این مقاله در کنار مسائل تدریس روابط بین الملل در ایران به این سؤال مهم نیز می پردازد که آیا در ایران نظریه ایرانی اسلامی روابط بین الملل داریم و اگر نداریم، چه موانعی بر سر راه نظریه پردازی ایرانی روابط بین الملل وجود داشته است؟ (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹: ۷۲)

اوج توسعه و رشد جریان سوم سال های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ است که همایش های مختلفی که برای بررسی وضعیت علوم سیاسی و روابط بین الملل یا به صورت تخصصی تر با موضوع بررسی نظریه پردازی و بومی سازی این رشته ها برگزار شد. در این زمان بود که بحث در ارتباط با امکان و امتناع نظریه پردازی بومی، موانع و راهکارها، ضرورت ها و نیازها و بسیاری مسائل دیگر به صورت یک بحث عمومی و جدی در میان محققان و اساتید روابط بین الملل مطرح شد، به طوری که اکثر اساتید برجسته روابط بین الملل در ایران به نحوی وارد این جریان شدند. هر چند جریان سوم کمی پیش از جریان اصلی نظریه پردازی آغاز شد، تقریباً می توان گفت مباحث اصلی این دو جریان به صورت همزمان در سال های اخیر پیش رفته و هم اکنون نیز این دو جریان به صورت کاملاً مرتبط و مکمل یکدیگر در بین اساتید روابط بین الملل خصوصاً در همایش ها و سمینارهای تخصصی روابط بین الملل در جریان است.

جریان نظریه پردازی در روابط بین الملل در ایران

نخستین ویژگی آثار جریان نظریه پردازی وجود اشتراکاتی میان آنها در زمینه نظریه یا نظریه های اسلامی و ایرانی می باشد. از این رو، این آثار از آنجا که دارای نقاط و مباحث

مشترکی بوده‌اند و نیز هرکدام به بخشی از مسائل و مباحث خاص اشاره نموده‌اند، در یک دید کلان، می‌توان آنها را بخشی از یک پروسه فراگیر در مورد طراحی یک نظریه اسلامی قلمداد نمود. برای نمونه، آثار «ستوده» در زمینه ماهیت انسان از نگاه رویکرد اسلامی روابط بین‌الملل را نمی‌توان ارائه یک نظریه قلمداد کرد. اما نباید ارتباط این مباحث با مباحث انسان‌شناسی فرانظریه یک نظریه اسلامی را نادیده انگاشت. نتیجه آنکه در این‌گونه آثار نظریه‌ای ارائه نشده اما تلاش‌هایی صورت گرفته که باید آن را بخشی از فعالیت بزرگ‌تر طراحی یک نظریه دانست.

تقسیم بندی موضوعی آثار جریان نظریه‌پردازی

دسته بندی	آثار جریان نظریه‌پردازی	اشخاص بارز
دسته اول	آثاری که نظریه‌ای مشخص ارائه نداده‌اند و صرفاً به ارائه طرح‌هایی اولیه، تبیین برخی مباحث تئوریک یک نظریه و ... اکتفا کرده‌اند	سیدحسین سیف‌زاده، محمد ستوده، اصغر افتخاری
دسته دوم	آثاری که می‌توان در آنها چارچوب کلی یک نظریه را مشاهده نمود	سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، احمد نقیب‌زاده

۱. آثار مقدماتی نظریه‌پردازی: باید اذعان داشت، همانطور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، اکثریت قریب به اتفاق آثاری که در جریان نظریه‌پردازی گنجانده شده‌اند نظریه‌ای جامع و کامل ارائه نداده‌اند بلکه صرفاً به ارائه بخشی از مباحث یک نظریه بسنده نموده‌اند. همچنین تمام آثار ارائه‌شده در جریان نظریه‌پردازی را از لحاظ ماهیت و سطح نظریه‌پردازی نمی‌توان یکسان دانست. با توجه به این مسئله و تقسیم‌بندی جدول قبلی، این آثار را نیز بر اساس شاخص ارائه نظریه به دو دسته مطابق جدول‌های زیر تقسیم می‌کنند. دسته اول که اکثریت آثار را شامل می‌شوند بیش از آنکه نظریه‌پردازی کرده باشند یک طرح اولیه ارائه داده‌اند یا به یک مبحث نظری محدود از مباحث کلی نظریه بسنده نموده‌اند.

آثار دسته اول جریان نظریه پردازی

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	سال	محل انتشار	نوع
۱	احمد نقیب‌زاده	نظریه‌های کلان در روابط بین‌الملل (طرح یک نظریه اسلامی روابط بین‌الملل)	۱۳۷۳	نشر قومس	کتاب
۲	محمد ستوده	ماهیت انسان و روابط بین‌الملل	۱۳۸۲	علوم سیاسی	مقاله
۳	سیدحسین سیف‌زاده	نظریه‌های روابط بین‌الملل در جهان فردی‌شده	۱۳۸۴	دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی	کتاب
۴	سیدحسین سیف‌زاده	روابط بین‌الملل میان رشته‌ای، بن‌فکنی رندانه و استراتژی جهان، وطن‌گرایی میهنی	۱۳۸۷	فصلنامه مطالعات بین‌المللی	مقاله
۵	منوچهر محمدی	برخورد با سلطه؛ نظریه‌ای نوپدیده در حوزه روابط بین‌الملل	۱۳۹۰	همایش نظریه‌پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین‌الملل	مقاله
۶	منصور میراحمدی و هادی آجیلی	درآمدی بر معنا و مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل: رویکردی اسلامی	۱۳۸۹	رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی	مقاله
۷	هادی آجیلی	صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل	۱۳۸۹	انتشارات امام صادق	کتاب
۸	سید جلال دهقانی فیروزآبادی	نظریه اسلامی سیاست خارجی؛ چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹۰	فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی	مقاله
۹	حسین پوراحمدی	مبانی و اصول حاکم بر فرانظریه اقتصاد سیاسی اسلامی	۱۳۹۰	پژوهشنامه علوم سیاسی	مقاله
۱۰	منصور میراحمدی	درآمدی بر نظریه انتقادی روابط بین‌الملل در اسلام	۱۳۹۰	همایش دین و روابط بین‌الملل	مقاله
۱۱	محمد ستوده	اسلام و ماهیت روابط بین‌الملل	۱۳۹۰	همایش دین و روابط بین‌الملل	مقاله
۱۲	اصغر افتخاری	تحلیل زبان‌شناسانه نظریه اسلامی روابط بین‌الملل در قرآن	۱۳۹۰	همایش نظریه‌پردازی	مقاله

	اسلامی ایرانی در روابط بین الملل		کریم		
۱۳	اصغر افتخاری	تحول پارادایمیک نظام بین الملل: اصول گذار به نظام بین الملل مطلوب از دیدگاه اسلامی ایرانی	۱۳۹۰	همایش نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب	مقاله
۱۴	حسین پوراحمدی	عدالت در فرانظریه اقتصاد سیاسی اسلامی	۱۳۹۰	همایش رویکرد ایرانی به دانش سیاست	مقاله
۱۵	حسین سلیمی	عدم تعارض، بنیاد نگرش اسلامی به روابط بین الملل	۱۳۹۰	فصلنامه روابط خارجی	مقاله

۲. آثار فرانظریه پردازی: آثار نظریه پردازی محدودتر که با مطالعه آنها می توان چارچوب کلی یک نظریه را مشاهده نمود در دسته دوم قرار می گیرند، هرچند نمی توان طبق شاخص هایی که برای یک نظریه تبیینی تعریف شده است - این دسته آثار را نظریه تجربی نوع اول قلمداد نمود. برای نمونه، آثار دهقانی فیروزآبادی در کنار هم بنیان های نظری یک نظریه اسلامی روابط بین الملل در قالب یک فرانظریه را فراهم می سازد. این نظریه نوع دوم یا فرانظریه اسلامی روابط بین الملل به مثابه یک پیش نظریه است که می توان بر پایه آن نظریه یا نظریه های اسلامی روابط بین الملل را پردازش کرد.

آثار دسته دوم جریان نظریه پردازی

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	سال	محل انتشار	نوع
۱	سیدجلال دهقانی فیروزآبادی	مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین الملل	۱۳۸۹	فصلنامه بین المللی روابط خارجی	مقاله
۲	سیدجلال دهقانی فیروزآبادی	چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین الملل	۱۳۸۹	پژوهشنامه علوم سیاسی	مقاله

فصل کتاب	کتاب اسلام و روابط بین الملل	۱۳۸۹	اسلام و نظریه‌های روابط بین الملل: رویکردی فرانظری	سیدجلال دهقانی فیروزآبادی	۳
مقاله	فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل	۱۳۹۱	الگوی نظم جهانی در نظریه اسلامی روابط بین الملل	سیدجلال دهقانی فیروزآبادی	۴

همان‌گونه که در جداول فوق مشاهده می‌شود، جریان سوم نظریه پردازی، با وجود تاریخچه‌ای بسیار کوتاه‌تر از سه جریان قبلی در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه اساتید و محققان روابط بین الملل قرار گرفته و رشد قابل توجهی داشته است. قرار گرفتن آثار مذکور در جدول جریان نظریه پردازی بدین معنا نیست که همه آنها اقدام به نظریه پردازی موفق کرده‌اند یا نظریاتی را ارائه داده‌اند بلکه از آنجا که این آثار مستقیماً در جهت نظریه پردازی تلاش کرده‌اند و به دلیل ارائه چارچوب‌های نظری برای تحلیل جدی‌ترین آثار متضمن نظریه به حساب آمده‌اند، در این دسته‌ها قرار گرفته‌اند. در بهترین حالت این آثار را می‌توان فرانظریه یا پیش نظریه تلقی کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاشی برای ارائه مدلی منظم از سیر تحول نظریه پردازی روابط بین الملل در ایران است. از این رو، آثاری که می‌توانست به موضوع این پژوهش ارتباطی داشته باشد مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به موضوع و روش پژوهش دسته‌بندی گردید. با توجه به شاخص ارائه یا عدم ارائه نظریه‌ای علمی در زمینه روابط بین الملل یک تقسیم بندی دوگانه شامل جریان زمینه‌ساز و جریان نظریه پردازی انجام گرفت. جریان زمینه‌ساز به سه جریان فرعی فقه روابط بین الملل، آثاری که تلاش در تثویز کردن اصول اسلامی سیاست خارجی به شکل علمی کرده‌اند، و آثار مربوط به بررسی بحث‌های امکان، امتناع یا ضرورت نظریه پردازی تقسیم می‌شود. همان‌طور که از این دسته‌بندی پیداست، بخش اعظم آثار مرتبط به سیر تحول نظریه پردازی صرفاً زمینه‌ساز

و بسترساز شرایط برای ورود جریان اصلی نظریه پردازی بوده‌اند و خود ادعای ارائه نظریه‌ای رانداشته‌اند.

این جریان زمینه‌ساز خود به سه دسته مختلف تقسیم می‌شود:

دسته اول از جریان زمینه‌ساز شامل آثاری است که از سویی هم از قدمت و سابقه بیشتری برخوردارند و هم ارتباط کمتری با رشته تخصصی روابط بین‌الملل دارند اما با موضوع مورد بررسی ما در ارتباط مستقیم هستند، آثاری که در سال‌های اخیر به فقه روابط بین‌الملل معروف شده‌اند؛ این آثار کاملاً فقهی هستند اما آن بخش از فقه سیاسی را بررسی می‌کنند که اصول و احکام فقهی اسلامی درباره رابطه کشور اسلامی با سایر حکومت‌ها و ملت‌ها را شامل می‌شوند. ویژگی این دسته آثار همانند مسائل فقهی استخراجی بودن آنهاست، یعنی تلاش شده تا اصول و احکام اسلامی درباره رابطه حکومت اسلامی با سایر کشورها از منابع دینی استخراج و توضیح داده شود.

دسته دوم آثاری هستند که از فقه روابط بین‌الملل فراتر رفته، تلاش دارند تا اصولی کلی از اسلام در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به عنوان رشته تخصصی استخراج نمایند. این دسته آثار را نمی‌توان فقه روابط بین‌الملل دانست، زیرا صرفاً به احکام دارالاسلام و دارالکفر و آنچه که در منابع اسلامی در مورد رابطه کشور اسلامی آمده نمی‌پردازند. این آثار اصولی تخصصی در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را از دل اصول و احکام اسلامی استخراج می‌کنند. آنها را نمی‌توان جزو آثار نظریه پردازی نیز دانست، زیرا به طراحی چارچوبی نظری یا رویکرد و رهیافتی کلان و تبیین‌کننده نیز دست نمی‌زنند بلکه تنها یک سری اصول را که باید از اسلام در مورد سیاست خارجی استنباط کرد بررسی می‌کنند.

سومین دسته از آثار که به صورت جداگانه بدانها پرداخته شده است آثاری هستند که تنها به بحث ضرورت نظریه پردازی یا امکان یا امتناع آن و یا موانع و راهکارهای نظریه پردازی روابط بین‌الملل در ایران پرداخته‌اند و تلاشی برای نظریه پردازی انجام نداده‌اند.

در نهایت، جریان اصلی نظریه پردازی آثاری را شامل می‌شود که فراتر از زمینه‌سازی نظری رفته، چارچوب‌های تبیین‌کننده‌ای را معرفی می‌نمایند. این آثار حالت تأسیسی دارند و تنها به استخراج اصول و احکام اسلامی نمی‌پردازند، بلکه با توجه به اندیشه اسلامی در تلاش‌اند تا چارچوب و هسته نظریه‌ای اسلامی را در روابط بین‌الملل پی‌ریزی نمایند. هر چند نباید این آثار را نیز بر اساس شاخص‌های نظریه علمی نظریه تبیینی تجربی نامید. جریان نظریه پردازی نیز به دو دسته آثار تقسیم می‌شود:

دسته اول عمده آثاری هستند که تنها طرحی اولیه ارائه می‌دهند و چارچوبی کامل و تبیین‌کننده ارائه نمی‌دهند.

دسته دوم، که بسیار محدودترند، توانسته‌اند بنیان‌های نظری و فرانظری یک نظریه جدید را، هر چند به صورت کلی و آزمون‌نشده، ارائه نمایند. در این چارچوب، به یک نمونه از فرانظریه یا پیش‌نظریه ارائه شده در جریان اصلی نظریه پردازی اشاره شد.

کتابنامه

۱. منابع استفاده شده

- آجیلی، هادی (۱۳۸۹). صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بلاغی، سید صدرالدین (۱۳۴۹). «روابط بین‌المللی از نظر اسلام ۱»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال دوازدهم، ش ۱، بهمن.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۲، بهار.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). روابط بین‌الملل در اسلام، قم، انتشارات اسراء.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۷). «روابط بین‌الملل میان رشته‌ای، بن‌فکنی‌رندانه و استراتژی جهان وطن‌گرایی میهنی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال پنجم، ش ۳، زمستان.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۹). «تدریس روابط بین‌الملل در ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۲، بهار.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران، سمت.

علوی، سید محمود (۱۳۸۷). *مبانی فقهی روابط بین الملل*، تهران، امیر کبیر.

۲. منابع رجوع شده

ابراهیمی، شهرزاد و دیگران (۱۳۸۹). «رویکرد اسلامی به روابط بین الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، *فصلنامه دانش سیاسی*، ش ۲، پاییز و زمستان.
ابوکزله، محمد (۱۳۹۰). «بازنگری در نظریه روابط بین الملل در اسلام: به سوی یک رویکرد مناسب تر»، ترجمه مفقود قنبری مزیدی، *فصلنامه مطالعات اسلامی روابط بین الملل*، سال اول، ش ۱، تابستان.

احمدی، حمید (۱۳۸۹). *بومی سازی روابط بین الملل در ایران*، کتاب آموزش و پژوهش روابط بین الملل در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). «امنیت و ابعاد آن در قرآن»، *فصلنامه مطالعات اسلامی*، بهار.

ارجینی، حسین (۱۳۸۵). «منبع شناسی فقه روابط بین الملل»، *مجله معرفت*، خرداد.
افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت؛ گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، ش ۳، پاییز.

_____ (۱۳۸۹). *بایسته های بازاندیشی در رشته روابط بین الملل*، کتاب آموزش و پژوهش روابط بین الملل در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
_____ «درک روابط بین الملل؛ رویکرد قرآنی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوم، ش ۴، زمستان.

_____ (۱۳۹۰). «تحلیل زبان شناسانه نظریه اسلامی روابط بین الملل در قرآن کریم»، *همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل*، پاییز.

_____ «تحول پارادایمیک نظام بین الملل: اصول گذار به نظام بین الملل مطلوب از دیدگاه اسلامی ایرانی»، *همایش نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب*، بهمن.

اکبری، محمد و صدوقی، زینب (۱۳۹۰). «آینده پژوهی و نظریه پردازی اسلامی ایرانی»، *همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل*، پاییز.

امینی، ابراهیم (۱۳۶۴). «روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی (۱)»، *مجله نور علم*، ش ۹، فروردین.

_____ «روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی (۱)»، *مجله نور علم*، ش ۱۰، خرداد.

- _____ «روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی(۱)»، *مجله نور علم*، ش ۱۱، مرداد.
- باقری دولت آبادی، علی و سنگ سفیدی، محمدرضا (۱۳۸۹). «چرا نظریه اسلامی روابط بین الملل نداریم؟»، *همایش بین المللی اسلام و روابط بین الملل*، دانشگاه گیلان، اسفند.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴). «اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟»، *مجله حقوقی*، ش ۳۳.
- بلاغی، سید صدرالدین (۱۳۴۹). «روابط بین الملل از نظر اسلام (۲): روابط اسلام با دول دیگر»، *مجله درس های از مکتب اسلام*، سال دوازدهم، ش ۲، اسفند.
- _____ (۱۳۵۰). «روابط بین المللی از نظر اسلام (۳): مقررات جنگی اسلام»، *مجله درس های از مکتب اسلام*، سال دوازدهم، ش ۳، فروردین.
- _____ «روابط بین المللی در اسلام (۴): عوامل پیروزی صلح در اسلام»، *مجله درس های از مکتب اسلام*، سال دوازدهم، ش ۴، اردیبهشت.
- _____ «روابط بین المللی در اسلام (۵): روابط دولت اسلامی با بیگانگان کشور اسلامی»، *مجله درس های از مکتب اسلام*، سال دوازدهم، ش ۵، خرداد.
- بهستانی، مجید (۱۳۸۹). «روابط بین الملل اسلامی: قانون یا نظریه؟»، *مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل*، *همایش بین المللی اسلام و روابط بین الملل*، دانشگاه گیلان، اسفند.
- _____ (۱۳۹۰). «به کارگیری شاهنامه در نظریه روابط بین الملل»، *همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل*، پاییز.
- پورا احمدی، حسین (۱۳۸۹). *اسلام و روابط بین الملل*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۰). «مبانی و اصول حاکم بر فرانظریه اقتصاد سیاسی اسلامی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ششم، ش ۲، بهار.
- _____ «عدالت در فرانظریه اقتصاد سیاسی اسلامی»، *همایش رویکرد ایرانی به دانش سیاست*، خرداد.
- تائب، سعید (۱۳۸۴). «وضعیت رشته روابط بین الملل»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، ش ۳۰، تابستان.
- جمالی، حسین (۱۳۹۰). «بومی گرایی در علوم سیاسی؛ کدام جهت گیری؟»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ششم، ش ۲، بهار.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). «اصول حاکم بر روابط بین الملل نظام اسلامی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۲، تابستان.

جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹). «امت و ملت نگاهی دوباره»، فصلنامه حکومت/اسلامی، سال پنجم، ش ۲.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۵). «آموزش درس اصول روابط بین الملل در دانشگاه‌های ایران: آسیب‌ها و راهکارها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۵، پاییز.

_____ (۱۳۸۸). «نظریه ایرانی روابط بین الملل: موانع و راهکارها»، ارائه شده در سومین همایش انجمن علوم سیاسی ایران، اردیبهشت.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۰). «تفکر انتقادی، ارتباطات علمی و نظریه پردازی: مطالعه موردی متون درسی روابط بین الملل در ایران»، همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

حسینی، سیداحمد (۱۳۷۵). «نگاهی به اصول روابط بین الملل اسلامی (۱)»، مجله فقه، ش ۱۰، زمستان.

دوست محمدی، احمد و دیگران (۱۳۸۹). «اصول روابط بین الملل در اسلام»، همایش بین المللی اسلام و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، اسفند.

_____ (۱۳۹۰). «تحلیلی بر تولیدات علمی کشورهای جهان در حوزه روابط بین الملل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، ش ۲، بهار.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین الملل»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، ش ۶، تابستان.

_____ (۱۳۸۹). «مسئله نظم جهانی در نظریه اسلامی روابط بین الملل»، همایش نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب، بهمن.

_____ (۱۳۹۰). «نظریه اسلامی سیاست خارجی: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۱، بهار.

_____ (۱۳۹۱). «الگوی نظم جهانی در نظریه اسلامی روابط بین الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره نخست، ش ۳، بهار.

ستوده، محمد (۱۳۸۲). «ماهیت انسان و روابط بین الملل»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، ش ۲۲، تابستان.

_____ (۱۳۸۴). «ارزیابی وضعیت رشته روابط بین الملل در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، ش ۳۰، تابستان.

_____ (۱۳۸۵). «روابط بین الملل از نگاه مقام معظم رهبری»، مجله حصون، ش ۱۰.

- ستوده آرانی، محمد (۱۳۸۶). «انقلاب اسلامی و نظریه پردازی در روابط بین الملل»، *فصلنامه دانشگاه اسلامی*، سال یازدهم، ش ۲، تابستان.
- _____ و دانشیار، علیرضا (۱۳۸۸). «آسیب شناسی روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ششم، ش ۱۹، زمستان.
- سلطانی، اسمعیل (۱۳۸۸). «روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم؛ جنگ یا صلح؟»، *مجله معرفت*، سال هجدهم، ش ۱۴۳، آبان.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۰). «عدم تعارض، بنیاد نگرش اسلامی به روابط بین الملل»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، ش ۳، پاییز.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۲). «روابط بین الملل در اسلام بررسی مراحل تاریخی»، *مجله معرفت*، مهر.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر میزان.
- _____ *نظریه های روابط بین الملل در جهان فردی شده: مناسبت و کارآمدی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- سیف زاده، سیدحسین (۱۳۹۰). *روابط بین الملل در ایران*، کتاب آموزش و پژوهش روابط بین الملل در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شبان نیا، قاسم (۱۳۸۵). «واژه شناسی فقه روابط بین الملل»، *مجله معرفت*، خرداد.
- شریعتمدار جزائری، سید نورالدین (۱۳۸۵). «فقه روابط بین الملل»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نهم، ش ۳۶، زمستان.
- شفیعی نوذر و حسین درجانی (۱۳۹۰). «رهیافت کاربردگرایی در مطالعات ایرانی روابط بین الملل»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، ش ۳، پاییز.
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۹). «دین و روابط بین الملل؛ نگاهی انتقادی»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوم، ش ۴، زمستان.
- علی احمدی، حسین (۱۳۸۴). «گونه شناسی روابط بین الملل اسلامی در قرآن مجید»، *مجله مکتب اسلام*، سال ۴۵، شماره ۱، فروردین.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۹۰). «قابلیت ها و فرصت های نظریه پردازی اسلامی ایرانی روابط بین الملل»، *همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل*، پاییز.
- فراتی، عبد الوهاب (۱۳۸۵). «نظریه سیاست خارجی در دولت نبوی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نهم، ش ۳۵، پاییز.
- فیاض، علی نقی (۱۳۸۶). «نقد و بررسی نظریه های روابط بین الملل از منظر امام خمینی و اندیشمندان غربی»، *مجله طلوع*، سال ششم، ش ۲۳، پاییز.

قنبری مزیدی، مقداد (۱۳۸۹). «طرح‌ریزی بنیان‌های نظری یک رویکرد اسلامی در روابط بین‌الملل»، همایش بین‌المللی اسلام و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، اسفند. قنبری مزیدی، مقداد (۱۳۹۰). «نظریه اسلامی و مفاهیم کلیدی روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات اسلامی روابط بین‌الملل، سال اول، ش ۲، پاییز.

کشاوری ولدانی، مرتضی (۱۳۸۹). «قلمرو روابط بین‌الملل در فقه سیاسی اسلام»، همایش بین‌المللی اسلام و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، اسفند.

گوهری مقدم، ابودر (۱۳۹۰). «فقدان نظریه روابط بین‌الملل بومی: رویکردی آسیب‌شناسانه»، همایش نظریه‌پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین‌الملل، پاییز.

محمدی، منوچهر (۱۳۹۰). «برخورد با سلطه؛ نظریه‌ای نوپدیده در حوزه روابط بین‌الملل»، همایش نظریه‌پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین‌الملل، پاییز.

مشیرزاده، حمیرا و مسعودی، حیدر علی (۱۳۸۹). «نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی رساله‌های دکترای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۲، بهار.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). «تحولات جدید نظری در روابط بین‌الملل: زمینه مناسب برای نظریه‌پردازی بومی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، ش ۲، بهار.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). «ایران و تجربه نظریه‌پردازی در رشته روابط بین‌الملل در کشورهای توسعه‌یافته»، همایش نظریه‌پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین‌الملل، پاییز.

مهدی‌زاده، اکبر (۱۳۸۹). «نگرش اسلام به مفاهیم روابط بین‌الملل»، همایش بین‌المللی اسلام و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، اسفند.

میراحمدی، منصور و آجیلی، هادی (۱۳۸۸). «درآمدی بر معنا و مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل: رویکردی اسلامی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۹، پاییز.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۹). «درآمدی بر نظریه انتقادی روابط بین‌الملل در اسلام»، مجموعه مقالات همایش ملی دین و روابط بین‌الملل، زیر نظر محمود واعظی، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

نجفی، محمدحسن (۱۳۷۵). «نکته‌هایی در فقه روابط بین‌الملل»، مجله فقه، ش ۱۰، زمستان.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۳). «نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل»، تهران، نشر قومس.